

رابطه کلیشه‌های جنسیتی و سلامتی

چگونگی سلامت زنان و مردان در جامعه، تفاوت‌هایی را با یکدیگر نشان می‌دهند. زنان عمر طولانی‌تری نسبت به مردان دارند. آمار مختلف در کشورها (به غیر از چند مورد استثنا) تأییدکننده این امر است. در طول قرن بیستم فاصله امید زندگی زنان و مردان بیشتر شده است. مردان نه فقط زودتر از زنان فوت می‌کنند و امید زندگی کمتری دارند بلکه در کلیه سنین نسبت به زنان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیرتر هستند. هرچند زنان بیشتر از مردان عمر می‌کنند اما در طول عمر خود بیشتر بیمار شده و به پزشک مراجعه می‌کنند (ادام، ۱۳۸۵: ۶۷-۷۲).

در مقابل هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۰۸ تا ۱۴۰ نوزاد پسر به دنیا می‌آید. نوزادان پسر و پسر بچه‌ها در مقابل بیماری‌های عفونی آسیب‌پذیرتر از دختران هستند. پسران نوجوان به علت تصادف، پرت شدن از بلندی، غرق شدن و سایر حوادث جان خود را بیشتر از دختران از دست می‌دهند. مردان هم به علت درگیر شدن در تصادفات و هم به علت شرایط کاری مخاطره‌آمیز بیشتر از زنان فوت می‌کنند. در نتیجه با وجود تعداد بیشتر پسر نسبت به دختر در سن ۶۵ سالگی در برابر هر دو مرد با سه زن در این گروه سنی روبه‌رو هستیم. در صورت رسیدن عمر به صد سالگی، در برابر هر مرد صد ساله چهار زن صد ساله دیده می‌شود (Lips, ۱۹۹۳: ۲۹۳).

توضیحات نظری مختلفی در مورد علل تفاوت در زندگی زنان و مردان وجود دارد و به یقین، تفاوت‌های جسمانی و زیستی در آن دخالت دارند اما در اینجا تأکید بر تأثیر کلیشه‌ها بر زندگی زنان و مردان است که چندان در پزشکی مورد توجه نبوده است. به طور کلی هر چند که جنس‌گرایی متوجه بر زنان است اما باید توجه داشت تأکید بر کلیشه‌ها برای مردان مشکلاتی را نیز به وجود می‌آورد اما از آنجا که زنان تحت تأثیر منفی‌گرایی در کلیه امور زندگی قرار دارند در این بحث بر جنسیت و سلامت زنان تأکید می‌شود. در مورد تأثیر منفی باورهای جنسیتی بر مردان تنها به اشاره‌ای اکتفا می‌شود.

مردان نیز مانند زنان در زندگی خود باید بر طبق کلیشه‌های جنسیتی عمل کنند؛ در غیر این صورت به آنان برچسب رفتار جنس مخالف یعنی زنانگی زده خواهد شد اما کلیشه مردانگی مشکلاتی را برای آنان در رابطه با سلامت به وجود می‌آورد زیرا کلیه مردان دارای صفات کلیشه‌ای نیستند. ویژگی‌های اصلی کلیشه مردانگی را می‌توان به این شکل در نظر گرفت:

- دوری جستن از ویژگی‌های زنانه و مرد بودن
- نیاز به داشتن موقعیت فرادستی در روابط اجتماعی
- نیاز به استقلال و اعتماد به نفس
- قدرتمندتر بودن از دیگران

این هسته اصلی رفتارهای مردانه، بر سلامت آنان تأثیر دارد چون مردان مستقل و بی‌نیاز از کمک دیگران هستند، در هنگام رویارویی با مشکلات از مراجعه به نزدیکان و دوستان خودداری کرده و شخصاً سعی در حل مسائل خود دارند. زنان از طریق درد دل با دوستان و خویشاوندان خود، احساس آسایش و راحتی کرده و در بسیاری از موارد راه‌حلی برای مشکلات خود پیدا می‌کنند. در مواردی که مردان قادر به حل مشکل نباشند تنش‌های زندگی برای آنان افزایش یافته و می‌توان در نظر گرفت که احتمال رو آوردن به مصرف الکل و همچنین مواد مخدر در میان آنان به عنوان راه‌حلی برای فرار از مشکلات زندگی مشاهده شود.

احساس قدرتمندی و توانا بودن، مردان جوان را وادار به انجام کارهای خطرناک و پرمخاطره می‌کند. مرگ‌ومیر بالای جوانان در تصادفات رانندگی و در فعالیتهای پرخطر و حوادث بسیار بیشتر از زنان است. در عین حال مشاغل مردانه در مواردی آنان را در معرض خطرات شغلی قرار می‌دهد.

در مورد زنان، ایده‌آل زنانگی، آنان را از شرایط تنش‌آفرین و مخاطره‌آمیز دور نگاه می‌دارد و در نتیجه، مشکلات تنشی مربوط به رقابت‌ها یا خطرات شغلی برای آنان به حداقل می‌رسد اما کلیشه زنانگی آنان را در قالب ابتلا به بیماری «هیستری» قرن نوزدهم و یا «مشکل بدون نام» که «بتی فریدان» (۱۹۶۳) در قرن بیستم به آن اشاره کرد و نمایش‌گر بیماری‌های روان‌تنی زنان خانه‌دار طبقات متوسط است قرار می‌دهد.

با قبول تأثیر عوامل متعدد در ایجاد طیف سلامت - بیماری و قبول تأثیر عوامل زیستی، باید به تأثیر جنسیت در ایجاد آن توجه داشت. جنسیت به صورت‌های زیر بر سلامت - بیماری مؤثر است:

۱- کلیشه‌های جنسیتی باعث ایجاد بیماری‌های مختلف در میان زنان و مردان می‌شود. از آنجا که افراد اجباراً باید در قالب کلیشه‌های خود عمل کنند شرایطی به وجود می‌آید که احتمال به مخاطره افتادن سلامت افراد افزایش می‌یابد (مانند الکلیسم در مردان و آنورکسیا در دختران جوان).

۲- کلیشه‌های جنسیتی روی تشخیص بیماری زنان و مردان تأثیر دارد. از آنجاکه این گمان در جامعه وجود دارد که زنان و مردان دارای ویژگی‌هایی خاص هستند در نتیجه در هنگام درمان بیماری زنان و مردان تحت تأثیر کلیشه‌ها تشخیص داده می‌شوند (مانند تشخیص افسردگی برای زنان و یا قبول بیماری و ناتوانی از جانب خود زنان).

برگرفته از کتاب: دگرگونی در نقش زنان

نویسنده: دکتر شهلا اعزازی